

گزاره چهارم دبیرستان

حروف ربط: (when و as)

۱- when = وقت ← کاربردها: ۱- دو عمل پشت سر هم (با نامله کم) : مثال ← when I got to school, I read my book
وقت به سر رسیدیم، کتاب را خوانیم

۲- دو عمل همزمان (عمل کوتاه تر یا when بیان هم شود) : مثال ←

we were awake when the sun rose
وقت آفتاب طلوع کرد، ما بیدار بودیم
عمل کوتاه عمل بلندتر

۳- دو عمل همزمان (در بعضی صورت که = whenever)

when it rains, the driving is so dangerous

هر وقت باران می آید، رانندگی بسیار خطرناک است

۲- as = وقت ← کاربردها: ۱- دو عمل همزمان: هر دو از as یا while یا when استفاده کرد

The thief was seen as he was climbing the wall
while

وقت دزد داشت از دیوار بالا می رفت دیده شد

۲- عمل های مرتبط هم: (معمولاً این جملات معنای تفهیم یا تکرار دارند) ← در بعضی صورت

He gets more experienced as he gets older
هر چه بزرگتر می شود، تجربه بیشتری می کند

او هر چه بزرگتر می شود، تجربه بیشتری می کند

حروف ربط بیان علت: (since - as - because)

I stay home today

Because
as
since

 it's raining
چون - از آنجا که

* این ۳ کلمه در وقت معاد هم به هم می آید *

حروف ربط جوابی: (whether ... or ...)

whether it's cold or warm he continues to work
چه سرد چه گرم او کار کردن ادامه می دهد

چه ... چه ...

* یک کاربرد جمع کلمه "whether" حرف ربط پرسش در معنی "که آیا است" *

The police asked whether I have driving license (or not)

پلیس پرسید که آیا تو لایسنس رانندگی داری (یا خیر)

* دو عبارت ربطی "not only ... but ..." و "Both ... and ..." نیز می توانند در جملات درج طلب مورد استفاده قرار بگیرند. فقط کلمه "but" ...
نه تنها ... بلکه ...
هم ... هم ...

* "During" یک حرف اضافه است نه حرف ربط ← در بیان اسم همراهی نه جمله و فعل

(T) تجربه ۸۷

Carlos had lots of free time and read a lot of books and magazines ... he was in London.

- 1) because
- 2) while
- 3) during
- 4) since

تجارتاً نکته این است که بعد از افعال، فعل بصورت ساده (مصدر) می آید (to) می آید
** زمان این سه فعل مجسم نیست **

انفعال help, let, make
↓
اجازه دادن
امکان دادن
مجبور کردن - باعث شدن
کمک کردن

I let you do my homework !!
He had helped me wash my car.
She made me drive fast

من به تو اجازه می دهم تکالیفم را انجام دهی
او پیش از آن کمک کرده بود که ماشینم را بشویم
او مرا وادار کرد که سریع رانندگی کنم

* این زمان فعل ها و فعل به صورت معمولاً یک مفعول می آید *
* بجای help میتوان از مصدر هم استفاده کرد *

This book helped me to understand it better.

I was made to clean my room
من مجبور شدم اتاقم را تمیز کنم

* شماره هر فعل اگر بصورت مجهول بیاید، فعل ممکن بیاید به شکل مصدر بیاید *
برای ستم کردن کانیست قبل فعل، not بیاوریم: مثال ←

He tried to help me not (to) be sad
او سعی کرد به من کمک کند که ناراحت نباشم

(T) زبان ۸۶

Our teacher usually makes all the students a lecture in the class.

- 1) give 2) to give 3) be given 4) that they give

برای ستم کننده اول !!

You can be in a good shape by exercising

قابل جایگزینی

حرف اضافه "By" ← وسیله - یا

* در متن ما ممکن است به جای آن از عبارت "by means of" هم استفاده شود که هم معنی آن است *

* فعل بعد از حرف اضافه بصورت ing ظاهر می آید *

You can find out somebody's phone number in the directory.

(T) تجربه ۸۷

- 1) to look 2) in looking
- 3) by looking 4) from looking

با چشم کردن جمله و نکته بالا ← گزینه ۳ صحیح است

تبدیل جملات وصفیه به عبارات وصفیه !!

ضمایر موصولیه : whom ← همیشه مفعولم (بعد از فاعل نه آید)
who - which ← فاعلم (بعد از فعل نه آید)
← مفعولم (بدون فاعل -)

انواع حالات :

1) بعد ضمیر موصولیه ، ساختار استمراری (ing) با to be ← ضمیر موصولیه و فعل to be حذف می شوند.

The driver who was driving fast was stopped.
→ The driver driving fast was stopped.

2) بعد ضمیر موصولیه ، ساختار مجهول (to be + pp) با to be ← ضمیر موصولیه و فعل to be حذف می شوند (مثل بیکم !)

The house which was sold yesterday was mine
→ The house sold yesterday was mine

خانها که دیروز فروخته شده سال من بود

3) جمله بعد ضمیر موصولیه ، یا کلمه قاصد یا افعال معلول با to be ← ضمیر موصولیه حذف می شود (مفعول یا فاعل)

The energy which comes from the sun makes the Earth warmer.
→ The energy coming from the sun makes the Earth warmer.

اگر جمله وصفیه مستقیم با to be درج اول ← قبل فعل از not استفاده می کنیم

Parents who don't earn enough money let their children work.
→ Parents not earning enough money let their children work

* ضمایر موصولیه مفعولم همواره قابل حذف اند *

[باینکه از این بحث سوال زیادی به صورت مستقیم مطرح نمی شود ولیم یادگوش آن در بحث تک مطلب و کلمات است بسیار حائز اهمیت است .]

The people in line to get into the theater were cold and wet.

(T) ریاضه 90

- 1) stood 2) stand 3) standing 4) to stand

(با کلمه رفت سوخته هم شده که سوال از حالت 1 است) استمراری

1) too (سخت از اندازه) ← قبل صفت یا قید [عقرب است] ← سناندر اخیان نشین یک کار [در ظاهر شب است]

This shoe is too small for me

این کفش بزرگ من خیلی کوچک است
(من نمی توانم آن را بپوشم)

2) enough (نه کم و نه زیاد) ← قبل صفت یا قید [سبب است] ← سناندر اخیان نشین یک کار

She is experienced enough

او به اندازه کافی با تجربه است
(من می توانم این کار را اخیان کنم)

This shoe is too small to wear

* سه نکته مهم درباره خودتربال :
* کار به نقل با و بصورت معبر ذکر شود ←

The shoes are too small that I can't wear them ← * غیر متجانس از حرف ربط that و جمله پیرو استناد کرد

~~This shoe is too small for me to wear it~~

* در این جملات فاعل نباید در ساختن مفعولم بگردد ←

* enough نشین صفت هم دارد (در معنی کافی) ← قبل اسم هر چه!

It was so crowded that I couldn't drive fast.

آن قدر شلوغ بود که نمی توانستم تند رانندگی کنم

3) So (آنقدر - خیلی) [اجازه نمی گیری] ← به دنبال حرف ربط that

آنچه بیان جمله نمی گیری نباید به شکل این قدر هم معنی می شود :

I have to go, I didn't realize it was so late.

باید بروم، حواسم نبود این قدر دیر است.

- صفت such (چنان - آنچنان) ← قبل اسم (بجای such و اسم به جای یک صفت دیگر می آید)

مانند so می توانی such را به جای that جمله داری ←

He has such a great talent that he can be successful in every jobs

او چنان استعدادی دارد که می تواند در هر شغلی موفق باشد

* اگر به جای such اسم می آید
! such را به جای a یا an بکار ببریم
بجای such

5

چند مثال خاص
such

He is such a stupid boy! او چه پست است
I didn't expect him to be such an active student.
They are such good people. آدم‌های خیلی خوبه

انتظار داشتم چنین دانش‌آموز فعالی باشد

زیر سقف های این بوی ... شاید سخت نظر بره ولیم از آنجا که سقف های زیادی از این بوی مطرب می شود یا نکته مهم تر هم را با بیخام آوریم :

1) دقت کنید که جمله خبری (معمولاً جمله بعد از جای خالی) بصورت صفات (too یا enough) یا جمله همراه (so یا such) that

2) همچنین دقت کنید که بعد از جای خالی اسم آمده (such یا صفت enough) یا صفت (هر کتا) یا قیاسی (too یا enough یا so)

* کلمه very نیز ضمیمه که معمولاً کلمه نهی یا صفت تقریباً بصورت پاسخ صحیح است *
نیمه لیدی ندارد (not too)

الرجوع به SO و too
اسم قابل شمارش ← این عزیزان

- اسم غیر قابل شمارش + so little / so much +
- اسم قابل شمارش + so few / so many +
- اسم غیر قابل شمارش + too much +
- اسم قابل شمارش + too many +

17 ریاضی 85

The weather is bad today that we can't go on a picnic.

- 1) too
- 2) such
- 3) so
- 4) very

سوال جای خالی است ، کلمه 4 که تعطیل !!

that دارد ← اسم نیست . حالا 2 یا 3؟؟ خوب بعد از جای خالی هم طایفه؟ به صفت طایفه و هم موصوف (اسم) نیازیم ← 2 صحیح است

17 تجربی 92

I am sure we will succeed and get the best result as we have worked

- 1) such hard
- 2) enough hard
- 3) so hard enough
- 4) hard enough

باتوجه به این که گویا خالی هم مورد (نبت) ، enough هم قابل پاسخ صحیح باشد . کلمه 1 غلطه چرا؟ چون بعد از such اسم هم ضمیمه است که دقت کنید کلمه 4 هم صفت است!
کلمه 3 و 4 را اگر بنویسیم کلمه 3 کلمه 4 غلط است چون so hard به معنی ضمیمه زیاد است و هم hard enough به معنی (به قدر کافی سخت) است که کلمه 4 پاسخ صحیح

17 اسانم 91

I was surprised that he looked good after his recent illness.

- 1) so
- 2) as
- 3) such
- 4) enough

بعد از such و enough صفت می آید
as هم با صفت جمله سازگار نیست

- حرف ربط (بیان تضاد)

فرقی ندارد
whereas و while ← در حالیکه - در صورتیکه (اولی یا وسط جمله می آید)

He earns 100 thousands tomans a month while I get 70.

but ← مقدار وسط جمله یک بیان تضاد می آید.

however ← این وجود - حرفی
Ali is a good soccer player however his brother is a basketball player.

* دو کلمه ربط تضاد با هم نمی آید *
while he is active but his brother is lazy.

(T) ریاضی خارج از کتاب ۹۱

I decide to start my own business ... my brother began work in a factory.

- ✓ 1) whereas 2) which 3) so that 4) in order to

به معنی تضاد است یعنی جمله به تنهایی نمی آید!

* یک کلمه دربارہ however : یک تضاد است نه یک حرف ربط (یعنی نمی آید!)

۱) برای استفاده از آن در ابتدای جمله ساده باید به زبان دیگری بیاید.
This is a simple job, however there are dangers.

۲) برای استفاده از آن در وسط جمله ساده باید قبل و بعد از آن بیاید.
This is a hard disease which is however easy to treat.

۳) برای استفاده از آن بین دو جمله باید قبل از آن علامت وقفه و پرکول بیاید.
I love basketball however he likes football.

بیان نتیجه و نتیجه

⑦

در جملات مرکب (so that) ← تا - به این مقدار که

He works hard so that I can have a good life.
جمله خبری جمله پیرو

اگرچه بعد از so that از will و can استفاده نمی شود.

Leave now so you can get the bus.

اگر نظر جمله گذشته گذشته باشد ← will و can به شکل would و could می آیند.

* بعضی اوقات در so that و until و till تفاوت اولی برای بیان مقصود است و دوم حرف ربط است.

I will wait until the next week.

در جملات ساده (۱) فعل سرود قرار بصورت مصدر می آید

در اظرف جمله هم می آیند

(۲) استفاده از { in order to }
{ so as to } برای مقصد

I went to the stadium to watch the match.

" " " " " in order to watch the match.

برای مقصد کردن و not قبل از to می آید.

she left early so as not to miss the bus.

* از آن جا که این بحث در مورد عبارات زیادی مطرح می شود یک راه تم در اینجا می آید که با داشتن آن به راحتی می توان اینها را تشخیص داد :

اولی عبارات حرف ربط { فاعل باشد (اسم) } ← مرکب ← so that و so

دومی عبارات حرف ربط { فاعل نباشد (فعل) } ← ساده ← so as to و in order to

I avoid sugar lose weight.

یا in order to یا to → به جای حرف حاله فعل داریم پس نوع دوم است

we left the door open ... we could hear what he was saying.

we فاعل (اسم) است پس نوع اول است →

حرف ربط تضاد (۲)

Although ← گویی - هر چند که
eventhough ← گویی - با اینکه
though ← گویی - هر چند که

Although it was raining the match was held.

She walked home alone, though she knew that it was dangerous.

برای وزن است. اما تضاد باید بتواند این اجزای را منطبق کند
ببارت با این ۳ کلمه باعث تعجب من شود!

(T) ریاضی ۹۲

.....we tried to stop him, he kept on

- 1) As/talk
- 2) However/talking
- 3) while/to talk
- 4) Although/talking

انتظار داریم جمله‌ها هم درستی که سوال مربوط به

تضاد است. از آنجایی که پیش از جای ناممضمون است اما نه طریح + به طرز این باید گفته ing طرز باشد (۲ یا ۴)
یا توجه به نکته آخر صفت ۶ در رابطه با however پاسخ ۴ است.

زمان گذشته فعل های وجهی

should ← باید (فعل در بیان بصورت ساده)

should + have + PP + ...
عبر کالی

* این ساختار نشان می‌دهد که فعلی با یک کاری را در گذشته انجام داده و در حال انجام نداد

I missed the train. I should have gone to station earlier.

من به قطار نرسیدم. باید زودتر به ایستگاه می‌رفتم (و لم فرتم)

may - might ← شاید (این شباهت را نیز که might گذشته may است + فقط احتمال might کمتر است *)

may/might + have + PP + ...
عبر کالی

* این ساختار نشان می‌دهد که شاید اتفاق گذشته افتاده باشد

He can't find his keys. He might have left them in his car.

او نمی‌تواند کلیدهایش را پیدا کند. شاید آن را در ماشین خود جا گذاشته باشد.

* همین ساختارها، have جمله این است و has و had نمی‌شود *

برای ستم کردن این ساختارها ← به بار فعل وجهی not هم آوریم

must ← حتماً

must + have + PP + ...
این ساختار نشان می‌دهد که اتفاق عمیقاً گذشته رخ داده (معمولاً نتیجه گیری)
(بعنوان یک حدس قوی)

He is sad. He must have had a fight with someone.

او ناراحت است. حتماً آنکه دعواش شده است (به احتمال زیاد با کسی دعواش شده)

← Could

این ساختار نشان می‌دهد که فاعل می‌تواند کاری را در گذشته انجام دهد ولیم انجام ندهد
این ساختار نشان می‌دهد که فاعل می‌تواند کاری را در گذشته انجام دهد ولیم انجام ندهد

9

You could have phoned us but you didn't.

تو می‌توانستی به ما تلفن بزنی ولیم نزدی

have + been + PP

برای تشکیل کردن این الگوها ← قبل از PP از been استفاده می‌شود:

It's late. He might have been stopped for speeding.

دیر است. شاید بخاطر سرعت زیاد توسط پلیس متوقف شده باشد!

have + been + ing

برای استمراری کردن این الگوها ← بعد از been از ing استفاده می‌شود:

A: why didn't father answer the doorbell? B: He the bell.

(T) مجید ۹۲

- ✓ 1) may not have heard
- 3) may not hear

- 2) should not have heard
- 4) should not hear

بچه با شنیدن زنگ در صدع است.

I can't find today's newspaper. somebody it away.

(T) رافض خواجه از کور ۹۱

- 1) must throw
- 2) should throw
- ✓ 3) must have thrown
- 4) should have thrown

از آنجایی که تقریباً هر سال در کشورهای مختلف عطل می‌شود. لطفاً خوب آن را یاد بگیرید.

گرامر سوچ دیویسٹن

1) When will they arrive?
I don't know when they will arrive
 جملہ خبری حرف ربط جملہ خبری

- کلمات پر مشتمل درجہ تہ حرف ربط : چند سوال :
 * جملہ خبری مع از that استاد لکھو !

2) I can't understand why he left me.

1) What time is it? → Can you guess what time it is?
 جملہ خبری

در جملات مرکب با پر یہ این صورت عمل لکھو : سوال :

2) Do you remember how many sandwiches we ordered?
 خبری

* اگر ناظر یا who, what, which سوالات قدر لکھو ، تا وقتہ میں حالت خبری پر مشتمل ہے ۔

who is on the phone? I don't know who is on the phone
 سوال خبری

(T) انسان م

Does Mary know whom at the last party?

✓ 1) they met 2) they meet 3) do they meet 4) did they meet

* جملہ دوم (پہلے) بنا پر یہ شکل سوالیہ ہائے → مع از حرف ربط ، do, does, did غم آہے * ← با توجہ بہ زمان جملہ تہ لکھو ! صحیح اسے

معنی تقریباً :
 ... + فعل سادہ + going to + am/is/are + ناکل
 ہمای بیان این کہ تقریباً ہم کاری یا ہرزوی یا خفا دہیم .

- عبارت : be going to : استادہ از ساختار :
 ہمای ستم لکھو ، am, is, are راستہ ہم لکھو .

It's very cold. It's going to rain today.

توسط این عبارت ہم توان یک حدس قوی را نیز بیان کرد :

- شکل صحیح افعال: (اسم مصدر)
 بعد از این افعال، فعل بصورت ing داریم آید:

- risk (ریسک کردن) - stop (دست کشیدن) - avoid (اجتناب کردن) - finish (تمام کردن) - enjoy (لذت بردن)
- hate (ستردن) - deny (انکار کردن) - keep (امتحان) - mind (توجه کردن) - miss (از دست دادن/دلتنگی)
- be worth (ارزشمند بودن) - go on (امتحان) - like, dislike (دوست داشتن/نداشتن) - be busy (مشغول بودن)
- give up (ترک کردن) - spend (صرف کردن) - imagine (تصور کردن) - can't/couldn't help (نتوانستن جلوگیری کردن)
- have difficulty (مشکل داشتن) (برای ستم کردن قبل فعل ing کار، not داریم)

* فعل بعد از حرف اضافه بصورت ing داریم آید *
 He insisted on proving it to me.

* در تمام فعل در اصل جمله و در نقش ماضی یا نه هم به شکل اسم مصدر آید *
 Driving fast is dangerous.

اگر فعل به از یک صفت یا به شکل مصدر خواهد بود:
 This place is not safe to go.

مکن است به صفت و فعل بعد، ساختار (فعل + for) قرار گیرد که تأثیری در دستور بالا ندارد:
 his place is not safe for us to go.

(T) همین ۹۲
 I was surprised that she left without good-bye to anyone.

- without حرف اضافه است همین !!
 1) say 2) to say 3) saying 4) being said

بعد از این افعال فعل بصورت مصدر آید:

- tell (گفتن) - try (تلاش کردن) - want (خواستن) - encourage (تشویق کردن) - expect (انتظار داشتن) - force (مجبور کردن) - plan (تعیین داشتن)
- wish (خواستن) - would like (دوست داشتن) - warn (تنبه کردن) - invite (دعوت کردن) - like (خواستن) - order (دستور دادن)
- allow/permit (اجازه دادن) - ask (خواستن از) - promise (قول دادن) - decide (تعیین کردن) - agree (توافق کردن) - advise (توصیه کردن)

* بعد از like در جمله دوست داشتن ← یا مصدر یا اسم مصدر
 She likes driving / to drive
 * بعد از like در جمله خواستن ← فقط مصدر
 She likes me to be with her today

(T) خلاصه زبان ۹۲
 The director of the program advised the students time material that was so out-of-date.

- بعد از advise ← مصدر
 بعد از avoid ← اسم مصدر
 1) to avoid wasting / reading 2) to avoid to waste / to read
 3) avoid to waste / reading 4) avoiding wasting / reading

- فعل و حرف اضافه :

give back / put on / take off / turn up / turn down / turn on / turn off
(پس دادن) (پوشیدن) (از تن جدا کردن) (زیاد کردن) (کم کردن/معاود...) (روشن کردن) (خاموش کردن)

افعال عبارتی :

take apart / take away / call up / put aside / pick up
(از هم جدا کردن) (دزد کردن) (تلفظ کردن) (کنار گذاشتن) (برداشتن)

* در صورت این افعال، اگر فعل از جنس غیر باشد فقط باید پس از فعل و حرف اضافه بیاید * در غیر این صورت تفاوتی نمی کند :

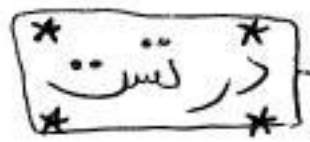
I put on my shirt ✓ I put my shirt on ✓ I put it on ✓ I put on it X

افعال عبارتی :

thank for / look after / look for / look at / listen to / speak to / with / talk to / with / about
(بابت چیزی تشکر کردن) (براقبت گرفتن از) (دنبال چیزی گشتن) (نگاه کردن به) (گوشش کردن به) (صحبت کردن با) (صحبت کردن با / درباره)

think about / wait for / take part in / depend on / rely on / insist on / search for
(فکر کردن به) (منتظر بودن برای) (شرکت کردن در) (بستگی داشتن) (تکیه کردن به) (اصرار کردن بر) (دنبال چیزی گشتن)

فعل این جملات به حرف اضافه می آید :



* اما حباب حرف کردن این صفت فعل سخت است. راه حل زیر را بخاطر بیایید :
اگر فقط هر دو شرط زیر را همزمان داشته باشد عبارتی است وگرنه ... !!

۱) خود فعل (بدون حرف اضافه) یک جستم باشد ← [turn - keep ...]

۲) حرف اضافه آن یکی از اینها باشد : up , down , in , out , on , off , back , away , aside , apart

(T) ریاضی ۸

A: where are the letters I put on the kitchen table?

B: I and took them to the post office.

1) Picked up letters

✓ 2) Picked them up

3) Picked up them → کلاً غلط

4) Picked letters up

گزینه اول اشتباه است
چون letters قبلاً یکبار معرفی شده باید قبل از آن حرف تعریف the بیاید.

در زیر مهم ترین صفات فاعلم و مفعول را با الحاق هم بنویسید: (۳ صفت معلوم: همان صفت سوم یا ۱۱ فعل است - معمولاً برای انسان)

- دشمنانه Frightening - frightened ترسان
- علاقه‌مند interesting - interested جالب
- بخت‌زده shocking - shocked شگفت‌انگیز
- متشرفه surprising - surprised شگفت‌انگیز
- خسته‌کننده tiring - tired خسته‌کننده

- سنگین - سبک amusing - amused سرگرم‌کننده
- خسته‌کننده boring - bored خسته‌کننده
- سنگین confusing - confused گیج‌کننده
- ناامید‌کننده disappointing - disappointed ناامید
- حالت‌زده embarrassing - embarrassed حالت‌زده
- هیجان‌زده exciting - excited هیجان‌انگیز

As the movie went on, it became more and more

- 1) bored
- 2) boring
- 3) boredom
- 4) boringly

(T) خبر ۹۲

علم بشود بیشتر می‌زند! بله! کلمات

- ترتیب صفات :

این جهت در ساختن اشیاء بسیار مورد توجه طراحان کتور سازی بوده است. این ترتیب ساده را بخاطر بسیار:

- ۱) شمارش و شمارش (۱) کیفیت (۲) اندازه (۳) سن و قدمت (۴) شکل (۵) رنگ (۶) جنس (۷) ملیت (۸) جنس
- مثال: (a, an, this, some...) (tasty) (big) (old, new...) (round) (black) (Persian) (chemistry, cotton)

هر زمانه این ترتیب را با ساختن یک صفت و ذهن خود یاد بگیرید.

* یک راه برای حل سریعتر این سوالات: ابتدا ترتیب دوست اول و دوست آخر را بر سرش کنید و زیرینهای غلط را حذف کنید.

(T) خبر ۹۱

He has recently bought a car.

- 1) white beautiful Japanese big
- 2) beautiful white big Japanese
- 3) beautiful big white Japanese
- 4) Japanese big beautiful white

طبق راه گفته شده در بالای سوال ابتدا دوست اول (ملیت و جنس) را بر سرش می‌نویسیم - سپس جنس مطلق نوشته پس ملیت با پر عمداً آخرین دوست باقی

پس به راحتی اول ۴ کنار هم رویم - با ساختن اینکه رنگ قبل از دوای افراد است که بنویسیم ۳ صحیح است. به همین راحتی! ← پس بجز ۳ تا کار و بقیه باقی

حالا سادست زیر را پارخ کنید:

we could buy a blouse from that store.

- 1) nice blue cotton Korean
- 2) nice blue Korean cotton
- 3) blue nice Korean cotton
- 4) Korean blue cotton nice

(T) خبر ۹۰

فهمی راحت نیست!!

۳ تا کار و بقیه باقی!!

- جملات مجهول:

اکثری کلمہ ساعت نقل مجهول ← **to be + PP**

حال حاضر: am/is/are + PP

حال استمراری: am/is/are + being + PP

حال کامل (ماضی قطعی): have/has + been + PP

گذشتہ زمانہ: was/were + PP

گذشتہ استمراری: was/were + being + PP

گذشتہ کامل (ماضی بعید): had + been + PP

آیندہ زمانہ: will + be + PP

* بعض افعال دو فعلیہ اند، جملات زیر وقت لہزیہ:

I gave ^{میں نے} the papers ^{پر} to the students.

I gave ^{میں نے} the students ^{کو} the papers.

این دو جملہ صحیح ہیں۔

حالہ سامتاں رجسٹریل این جملات وقت لہزیہ:

The papers were given to the students.

The students were given the papers.

بعض افعال جمع دو فعلیہ: give - bring - award - offer - ask - pay - show - teach - tell

The dishes yet. Could you please wash them up.

(T) ریاضیہ ۹۲

- 1) have been not washed
- 3) are not being washed

- ✓ 2) have not been washed
- 4) had not been washed

کلمہ yet نشان دہندہ زمان حال کامل است (T)
 برای قسم کردن not بعد از have قرار میگیرد
 ۲۵۰ صحیح است.